



درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

۹۹/۰۴/۱۶

« فهرست دروس بسم الله الرحمن الرحيم

محتویات

۱- حدیث اخلاقی

۲- خلاصه بحث گذشته

۳- احادیثی در عدم تعطیلی حج

۴- بررسی دیدگاه صاحب عروه در استطاعت حج

۵- دیدگاه استاد: مبنای استطاعت عرفی است

۶- نتیجه گیری

موضوع: مسائل مستحدثه/مسائل کرونا /حکم حج با وجود

کرونا

۱- حدیث اخلاقی

روایت امروز از نبی معظم صلی الله علیه و آله است. این حدیث

از احادیث گرانسنگ و پر ثمر است که مزایا و خصوصیات عالم

بالله و همنشین را بیان می کند.

رسول الله (صلی الله علیه و آله) فرمودند: قالوا - الحواریون

لعیسی (علیه السلام) - : یا روح الله فمن نجالس إذا؟ قال: من

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر

رجال

دروس به زبان عربی

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین (ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه ها

شهرستانها

کربلا

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس ها

راهنمای تقریر نویسی

پخش زنده

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

دریافت نرم افزار

زمان درس ها

نحوه گفتگو

تالارها

امکانات جانبی

سوالهای متداول

مشکل نمایش حروف فارسی

يَذْكُرُكُمْ اللَّهُ رُبُّيْتَهُ، وَيَزِيدُ فِي عِلْمِكُمْ مَنْطِقَهُ، وَيَرْغِبُكُمْ فِي الْآخِرَةِ

عمله. [۱]

حواریون هم حضرت عیسی علیه السلام را به عنوان روح الله و کلمه الله می‌شناختند. حواری کسی است که حالت خصوصی و صمیمی دارد. خصلت‌هایی دارند که اهل گفتمان و گفتگو و مجالست خاص علمی و عملی هستند. لغت حواری را ملاحظه بفرمایید. حور العین هم در قرآن خصوصیات ظاهری‌شان یک جهت است، ولی خصوصیات باطنی‌آنها بیشتر مطرح است که سنخیت با همسرشان دارند. حورالعین اختصاص به زن ندارد بلکه یعنی همنشین‌هایی که چه مرد و چه زن باشند.

در همنشینی هرچه انسان کامل‌تر شود همنشینان او ضیق‌تر می‌شود. حواریون گفتند حال که ما در این وضعیت هستیم و همنشین شما شدیم با چه کسی بنشینیم؟ گاهی انسان کسی را پیدا نمی‌کند. ایشان به حواریون خود فرمودند همنشین شما سه خصوصیت داشته باشد:

(۱) اولین شرط همنشینی او این است که دیدنش و دیدارش شما را به یاد خدا بیندازد. شرط مهمی است. برخی افراد جز یاد خدا انسان را به یاد همه چیز می‌اندازند: دنیا، زر، زور، زیور، قدرت و همه چیز.

(۲) سخن و گفتارش بر دانش شما بیفزاید. با کسی همنشینی کنید که هر وقت حرف می‌زند بر دانستی‌های شما افزوده شود.

(۳) شرط سوم شرط مهمی است. کار او و کردار او شما را به آخرت تشویق کند. کار او شما را یاد آخرت بیندازد.

پس سه خصلت شد: دیدار او شما را به یاد خدا بیندازد، گفتارش دانش شما را افزایش دهد و کردارش شما را یاد عالم آخرت بیندازد.

بهترین ویژگی‌هایی که یک عالم الهی و یک روحانی حوزوی و فقیه عالی مقام باید داشته باشد خصوصیات در همین روایت است.

ان شاء الله ما هم این خصلت‌ها را داشته باشیم که **المرء علی دین خلیله**. [۲]

۲- خلاصه بحث گذشته

در مسأله مستحدثه بیماری کرونا و بیماری حاد تنفسی و تراحم آن با حج، چند فرع را مطرح کردیم. حج از شرایطش استطاعت بدنی، مالی، زمانی، مکانی و سربی است. فرض ما حصول این استطاعت‌ها است.

یک فرع این بود که دولتی که مکه و مواقف و عتبات ما در آنجا است ممانعتی دارد، اینجا استطاعتِ طریقی محقق نیست. این استطاعت که نبود شاید برای خیلی مکلفین اصلاً وجوبی حاصل نشود. ولی اگر راه باز باشد و عربستان ممانعت نکند که امسال تا کنون از خارج زائر نمی‌پذیرد، اگر مریضی مانع ایجاد کند استطاعت حاصل می‌شود یا خیر؟

۳- احادیثی در عدم تعطیلی حج

باب ۴ ابواب وجوب حج را بنگرید؛ اکثر روایات این باب صحیح و قابل استناد است:

(۱) محمد بن یعقوب، عن علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن ابن أبي عمیر، عن الحسن الأحمسی، عن أبي عبد الله علیه السلام قال: **لو ترك الناس الحج لما نواظروا العذاب، أو قال: انزل علیهم العذاب**. [۳]

اگر مردم حج را ترک کنند، در عذاب مهلت داده نمی‌شوند. خطاب ناس است مانند **﴿الله علی الناس حج البيت﴾**. [۴] این مبنای ما را تأیید می‌کند که خطابات برای همه مردم است. این

روایت یهود و نصاری را هم شامل می‌شود ولی در مقام تکلیف اعمال آنها صحیح نیست تا زمانی که ایمان بیاورند.

(۲) عن محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن الحجال، عن حماد، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كان علي صلوات الله عليه يقول لولده: يا بني انظروا بيت ربكم فلا يخلون منكم فلا تناظروا. [۵]

در نهج البلاغه با عنوان الله الله هست ولی اینجا این گونه است. [۶]

ای فرزندانم بنگرید در خانه پروردگارتان که از شما خالی نباشد که مهلت داده نمی‌شوید. اگر چنین نباشد مورد نظر باری تعالی نمی‌شوید.

(۳) وعنه، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن إسماعيل، عن حنان بن سدير، عن أبيه قال: ذكرت لأبي جعفر عليه السلام البيت فقال: لو عطلوه سنة واحدة لم يناظروا. [۷]

اگر یک سال خالی شود مهلت داده نمی‌شوند و عذاب نازل می‌شود.

روایت بعدی از ابی بصیر مرادی است. حدیث پنجم باب:

(۴) وعن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن فضالة بن أيوب، عن أبي المعز، عن أبي بصير يعني المرادي، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: لا يزال الدين قائما ما قامت الكعبة ورواه الصدوق مرسلا، ورواه في (العلل) عن أبيه، عن محمد بن يحيى، عن محمد بن أحمد، عن الحسن بن الحسين اللؤلؤي، عن الحسن بن علي بن فضال، عن أبي المعز مثله محمد بن علي بن الحسين قال: روي أن الكعبة شكت إلى الله عز وجل في الفترة بين عيسى ومحمد صلى الله عليه وآله، فقالت: يا رب مالي قل زواري؟ مالي قل عوادي؟ فأوحى الله إليها أني منزل نورا جديدا على قوم يحنون إليك كما تحن الانعام إلى أولادها،

ویزفون إلیک كما تزف النسوان إلی أزواجها یعنی أمة محمد صلی
الله علیه وآله. [۸]

روایت بعدی روایت نهم همان باب است:

۵) وفي (عقاب الأعمال) عن أبيه، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه،
عن عبد الله بن ميمون، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كان في
وصية أمير المؤمنين عليه السلام قال لا تتركوا حج بيت ربكم
فتهلكوا، وقال: من ترك الحج لحاجة من حوائج الدنيا لم تقض
حتى ينظر إلى المحلقين. [۹]

کسی که حج را ترک کند حاجاتش بر آورده نمی شود تا نگاهی
به سرهای تراشیده در منا بیفتد.

پس حج نباید ترک شود. ما به این نتیجه رسیدیم که حج
همیشگی است. دولت ها و ملت ها نه فقط اسلامی بلکه تمام
انسان ها باید شرایط را برای حجاج فراهم کنند. دولت اسلامی
باید به طور ویژه زمینه رفتن عده ای را فراهم کند.

۴- بررسی دیدگاه صاحب عروه در استطاعت حج

حج عروه کامل نیست ولی چون پر فروع است عبارت ایشان را
بنگرید. ما هم حج خود بر اساس تحریر و جواهر پیش رفتیم. چند
مسئله مربوط از عروه را بررسی خواهیم کرد:

(مسألة ۶۱): يشترط في وجوب الحج الاستطاعة البدنية، فلو
كان مريضا لا يقدر على الركوب أو كان حرجا عليه ولو على
المحمل أو الكنيسة لم يجب وكذا لو تمكن من الركوب على
المحمل لكن لم يكن عنده مؤنته، وكذا لو احتاج إلى خادم ولم
يكن عنده مؤنته. [۱۰]

در وجوب حج توانایی بدنی شرط است. پس اگر بیمار باشد و
توانایی نداشته باشد یا حرج بر او باشد، واجب نیست. البته جا
دارد که تأملی بر نظر سید داشته باشیم. قاعده ضرر و قاعده
حرج دو قاعده جریان دارد. عدم وجوب به طور مطلق صحیح

نیست. وجوب هست ولی نیابت باید بدهد. همچنین اگر می‌تواند سوار اسب و هواپیما شود ولی هزینه حج ندارد. همچنین شخصیتی است که باید خادم داشته باشد. در بحث حج گفتیم استطاعت دارای مراتب است که با توجه به اشخاص قابل تفاوت است. هر کس مبلغ خاص خود دارد. برخی پیاده هم بتواند باید برود ولی کسی نمی‌تواند پیاده برود. اگر مسئولی است که باید عده‌ای را ببرد. آیا آن افراد با مال شخصی باید بروند یا دولتی جای بحث دارد. استطاعت بدنی با توجه به افراد متفاوت است.

(مسألة ۶۲): ويشترط أيضا الاستطاعة الزمانية، فلو كان الوقت ضيقا لا يمكنه الوصول إلى الحج أو أمكن لكن بمشقة شديدة لم يجب، وحينئذ فإن بقيت الاستطاعة إلى العام القابل وجب وإلا فلا. [۱۱]

همچنین توانایی زمانی شرط است. پس اگر وقت به اندازه‌ای تنگ شد که به حج نمی‌رسد واجب نیست یا با مشقت زیاد می‌رسد. اگر استطاعت تا سال بعد باقی بود واجب است وگرنه خیر. آیا باید تا سال بعد لازم است استطاعت را نگه دارد؟ مرحوم آقای خوئی معتقدند باید نگه دارد. [۱۲] فوریت را می‌برد ولی وجوب را خیر.

(مسألة ۶۳): ويشترط أيضا الاستطاعة السرية، بأن لا يكون في الطريق مانع لا يمكن معه الوصول إلى الميقات أو إلى تمام الأعمال وإلا لم يجب، وكذا لو كان غير مأمون بأن يخاف على نفسه أو بدنه أو عرضه أو ماله وكان الطريق منحصرًا فيه أو كان جميع الطرق كذلك، ولو كان هناك طريقان أحدهما أقرب لكنه غير مأمون وجب الذهاب من الأبعد المأمون، ولو كان جميع الطرق مخوفاً إلا أنه يمكنه الوصول إلى الحج بالدوران في البلاد، مثل ما إذا كان من أهل العراق ولا يمكنه إلا أن يمشي إلى كرمان، ومنه إلى خراسان، ومنه إلى بخارا، ومنه إلى الهند، ومنه إلى بوشهر،

ومنه إلى جدة مثلاً، ومنه إلى المدينة، ومنها لى مكة فهل يجب أو لا؟ وجهان أقواهما عدم الوجوب، لأنه يصدق عليه أنه لا يكون مخلى السرب. [۱۳]

و شرط است همچنین استطاعت سربى يعنى مانعى نباشد. این عدم مانع را چه بگیریم؟

عدم مانع عقلی است یا شرعی یا عرفی؟

اگر امنیت ندارد در جان و مال و آبرو، ضرر باید چه کند؟

اگر ضرر مالی یا جانی یا ضرر واگیری بیماری است، باید چه

کند؟ آیا استطاعت در اینجا نفی واقعی می کند یا ظاهری؟

گاهی باید از کشورهای دیگر برود. یک راه مخوف است و راه

غیر مخوف طولانی است، باید چه کند؟

اگر مکه درگیر نشده است و کشوری هم درگیر نشده است ولی

باید از کشورهای مورد ابتلا رد شود، تکلیف چیست؟

وجوب می آید ولی به نظر ما می تواند نیابت بدهد.

مرحوم سید می فرمایند اقوی عدم وجوب است. تعلیل ایشان هم

این است چون این فرد استطاعت سربیه ندارد. کسی که مبتلا به

مرضی یا حرجی یا خوف و ضرری است همین قدر که نتوانست

مسیر را برود حج بر او واجب نیست.

ما با کمال معذرت از مرحوم سید رضوان الله علیه عرضی داریم:

ما در صدق حرج، هر ضرر و حرجی را نافی حکم حج نمی دانیم.

ضررهای متعارف حکم را بر نمی دارد. ضررهای غیر متعارف حکم

را بر می دارد. ضررهای متعارف مثلاً این است که راه بسته شده و

باید از جای دیگری برود. عرف می گوید این ضرر برای این

شخص قابل تحمل است. پول بلیط دیگر را دارد. اگر در غیر

طریق متعارف هم باشد استطاعت را بر نمی دارد. ایشان به طور

مطلق اقوی را عدم وجوب دانستند. ضرر غیر متعارف می تواند در

طریق متعارف یا غیر آن باشد. این ضرر متعارف قابل تدارک است.

(مسألة ۶۴): إذا استلزم الذهاب إلى الحج تلف مال له في بلده معتد به لم يجب، وكذا إذا كان هناك مانع شرعي من استلزامه ترك واجب فوري سابق على حصول الاستطاعة أو لاحق مع كونه أهم من الحج كإنقاذ غريق أو حريق، وكذا إذا توقف على ارتكاب محرم كما إذا توقف على ركوب دابة غصيبة أو المشي في الأرض المغصوبة. [۱۴]

اگر رفتن به حج باعث تلف مالی در شهرش شود که تلف معتد به باشد حج واجب نیست. همچنین اگر مانعی شرعی باشد و باعث ترک واجب فوری شود که سابق بر حصول استطاعت است. همچنین اگر واجب فوری لاحق باشد و اهم از حج مانند انقاذ غریق یا دفع حریق حج واجب نیست.

حضرت امام همان نظر ما را اینجا دارند که ضرر را باید به متعارف و غیر آن تقسیم کرد:

يكون تحمله حرجيا وأما مطلق الضرر فغير معلوم. المعيار في كون ترك الواجب وارتكاب المحرم موجبا لسقوط الحج هو كونه أهم منه كان الواجب سابقا أو لاحقا كما مر. [۱۵]

اگر انجام حج باعث ترک یک واجب فوری شود، مثلا چند نفر در هلاکت بیفتند. انقاذ غریق یا اطفاء حریق در کار باشد. اگر این چنین باشد واجب نیست. یا بحث جهاد باشد.

این که ایشان فرمودند سابق بر حصول استطاعت، با کمال معذرت ما در تراحم قائل به اهمیت و فوریت هستیم. در لاحق اهم را گفتند ولی در سابق خیر. ما در بحث حج چند ملاک داریم. یک اینکه حج فوری است. دیگر اینکه حج واجب نادر است. در تراحم بین واجبین واجب نادر و واجب شایع، نادر مقدم است مگر دلیل خاص داشته باشیم. برخی واجبات عنوان جمعی

دارد. **يد الله مع الجماعة**. [۱۶] امتیاز بعدی حج این است که از خود دلیل واجب اهمیت آن استفاده می‌شود. از جعل الوجوب تقدیم الوجوب هم گاهی استفاده می‌شود. اینکه تارک حج چنین وعیدهایی داده شده است. اینها باعث می‌شود حج مقدم شود. تعظیم شعائر هم هست. ﴿و من يعظم شعائر الله فانها من تقوى القلوب﴾. [۱۷]

به نظر ما فرقی بین سابق و لاحق نیست. اگر خاطر شریفتان باشد در جلسه گذشته گفتیم شاید سابق باشد و شاید لاحق و شاید احتمال ضرر مقارن باشد. مبنای مرحوم سید در حصول الاستطاعة، استطاعت را شرعیه می‌دانند که عدم المانع است. یکی از این مانع‌ها وجود ضرر یا حرج شدید است. ما بین ضرر و حرج قائل به عموم و خصوص من وجه هستیم. شاید هر دو باشد و شاید یکی باشد. برخی قائل به عموم و خصوص مطلق هستند و برخی تصادق کلی قائلند.

۵- دیدگاه استاد: مبنای استطاعت عرفی است

مبنای فقیه چیست؟ آیا مانند سید حصول استطاعت شرعی است یا استطاعت عقلی است مانند آقا ضیا و یا مبنای سوم است که مبنای ما استطاعت عرفی است.

ما نه عقلی و نه شرعی می‌دانیم استطاعت را و شارع اینجا تابع عرف است. در مبنای اصولی هست که الا ما ثبت بالدلیل شارع را ممضی می‌دانیم نه مؤسس. در حقوق، معاملات و در برخی عبادات شارع امضا کننده است نه مؤسس.

در خیلی از موارد حقیقت شرعیه نداریم اگر چیزی هست حقیقت متشرعه و عرفیه است.

حج هم از موارد استطاعت عرفیه است. در بحث ضرر و حرج هم عرفی می‌دانیم. ضرر و حرج متعارف که عرف تاییدش می‌کند مشکل رخ نمی‌دهد ولی غیر متعارف که نادر است و عرف

متحمل نمی‌شود مانند بیماری کرونا که در آن هستیم، ضرر بر نفوس است. یکی از ملاک‌های تقدم واجب مسأله نفوس بود. بیماری کرونا مربوط به نفوس است و اهم است. حج مهم و بحث کرونا اهم است. اهم که شد مقدم می‌شود. فرقی نمی‌کند احتمال ضرر سابق باشد و قبل از سفر، مقارن باشد و یا بعد از سفر بیاید و مریض شود. اگر کسی برود و بیاید بعد واکسین می‌کند نباید برود. در وجود المانع بین این احتمالات ثلاث فرقی نیست. نه بخاطر عدم استطاعت شرعی که سید فرمودند بلکه بخاطر عدم استطاعت عرفی.

بین وجود ضرر و وجود حرج صدق جزئی است. شاید جایی با ضرر، وجوب حج را برداریم و یک جایی با حرج و در موردی هم هر دو.

بحث بعدی: آیا فوریت را بر می‌دارد یا نفس حج را؟ امسال نباید برود و یا سال آینده که باید برود به حصول استطاعت جدید است یا خیر؟ آیا برای سال بعد باید استطاعت را نگه دارد؟

مانع عرفی این قدر قوی هست که مصلحت امر شرعی را که بردارد و باعث نهی از عبادت شود و انجامش باعث فساد شود؟ فعلا وجوب فوری را بر می‌دارد ولی نه اصل آن را. استطاعت باقی است و باید اموالش را نگه دارد اگر خرج کرد به گردش هست.

۶- نتیجه‌گیری

اگر استطاعت سربیه را عربستان مانع شود، عده‌ای مستطیع نمی‌شوند.

اگر مانع نشد، استطاعت عرفی است و باید در تراحم اهم را بنگریم. بین وجوب مراقبت از نفوس و وجوب حج تراحم است. فعلا فوریت را بر می‌دارد.

چه بسا باید مستطیع‌های امسال نایب بگیرند از عربستان.

ان شاء الله هم رفع کرونا و هم حج خانه خدا.

[۱] میزان الحکمة، المحمدي الري شهري، الشيخ محمد، ج ۱، ص ۴۰۲.

[۲] الأمالي - ط دار الثقافة، الشيخ الطوسي، ج ۱، ص ۵۱۸.

[۳] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۸، ص ۱۳، أبواب وجوب الحج و شرائطه، باب ۴، ح ۱، ط الإسلامية.

[۴] آل عمران/سوره ۳، آیه ۹۷.

[۵] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۸، ص ۱۳، أبواب وجوب الحج و شرائطه، باب ۴، ح ۲، ط الإسلامية.

[۶] نهج البلاغة، الدشتي، محمد، ج ۱، ص ۲۸۶، نامه ۴۷. الله
الله فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ، لَا تُخْلَوْهُ مَا بَقِيْتُمْ، فَإِنَّهُ إِنْ تُرِكَ لَمْ تُنَاطَرُوا.

[۷] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۸، ص ۱۳، أبواب وجوب الحج و شرائطه، باب ۴، ح ۳، ط الإسلامية.

[۸] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۸، ص ۱۴، أبواب وجوب الحج و شرائطه، باب ۴، ح ۵، ط الإسلامية.

[۹] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۸، ص ۱۵، أبواب وجوب الحج و شرائطه، باب ۴، ح ۹، ط الإسلامية.

[۱۰] العروة الوثقى - جماعة المدرسين، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج ۴، ص ۴۱۶.

[۱۱] العروة الوثقى - جماعة المدرسين، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج ۴، ص ۴۱۶.

[۱۲] العروة الوثقى - جماعة المدرسين، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج ۴، ص ۴۱۶. الأظهر أنه يجب عليه إبقاء

الاستطاعة.

[۱۳] العروة الوثقى - جماعة المدرسين، الطباطبائي اليزدي،

السيد محمد كاظم، ج ۴، ص ۴۱۶.

[۱۴] العروة الوثقى - جماعة المدرسين، الطباطبائي اليزدي،

السيد محمد كاظم، ج ۴، ص ۴۱۷.

[۱۵] العروة الوثقى - جماعة المدرسين، الطباطبائي اليزدي،

السيد محمد كاظم، ج ۴، ص ۴۱۷.

[۱۶] نهج البلاغة، الدشتي، محمد، ج ۱، ص ۱۱۹، خطبه

۱۲۷.

[۱۷] حج/سوره ۲۲، آیه ۳۲.

